

ماجرای ورود نور شیطان به ایران!

۹ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۲۷

در پی آشنایی ایران با دولت های غربی، در اندک زمانی دستاوردهای صنعتی آنان نیز وارد ایران گردید که بی تردید یکی از آن ها برق بود.

در اواخر دوره ی سلطنت شاهان قاجار در پی روابط گسترده با غرب، ایران شاهد نفوذ دستاوردهای صنعتی این دول بود که گاه به واسطه ی درخواست شاهان از جمله ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و گاه از سوی دولتمردان وارد می شد، چنانچه جعفر شهری در این باره می نویسد در دوره قاجار بویژه اواخر آن، تمام برق شهر منحصر بود به تنها کارخانه چراغ برق در خیابان چراغ برق که توسط حاج حسن آقای امین الضرب از روسیه وارد شده محدوده ی روشنائی و برق رسانیش اندرون شاهی و برخی از حیاط های اندرون و خیابان های اطراف آن مانند خیابان ناصریه و خیابان جباخانه و قسمتی از جلیل آباد (خیام) و تعدادی خانه و دکان در محله ی عرب ها و خیابان های چراغ برق و لاله زار که زیادتر از آن نمی توانست شعاع عمل داشته باشد، بود.

مطلعین از سیم کشی و امور برقی هم معدود کارگران و تحصیلداران خود کارخانه بودند، که روزها به کار سیم کشی مزدی برای این و آن پرداخته، از غروب به بعد در کارخانه و امور آن مشغول می شدند، از آنکه کارخانه از شامگاه به بعد کار خود را شروع نموده در روز فعالیت نداشت، چه از آن یعنی برق او مردم فقط روشنایی آن را می دانستند که آن هم به کار شب آمده برای تا دو پاس از شب یعنی چهار، پنج ساعت از مغرب گذشته و سوای آن از چراغ های نفتی استفاده می کردند، اگر چه با داشتن برق هم به آن روی خوش نشان نداده، آن را «نور شیطان» و «چراغ در مسیر باد» که در هر لحظه می توانست خاموش بشود می دانستند. نظریه درباره ی نور شیطان بودنش را هم از این جهت ابراز می کردند که حبابی که بدون هیچ وسیله ای بتواند خود به خود، یعنی در اطاق و مکان در و دربندان کسی روشن شده، بدون (پُف) و دخالت کسی خاموش بشود جز این نیست که کار شیطان می باشد.

از این رو در ابتدا کمتر دکان دار و خانه داری حاضر به قبول آن و باز کردن پای شیطان در خانه و زندگی خود می گردید و دکان دارهای متعصب که به شدت از او رو می گرداندند، از آنجا که هم کسب شبانگاه جزء محرمات بوده، کاسبی شب را مخصوص شیاطین و سبب قطع برکت می دانستند که در این صورت چراغ نیز برایشان لازم نمی آمد، چه رسد به چراغ برق که اشاره ی شیطان بوده یکسره روزیشان را قطع می نمود!

لذا اولین کاسبی که تن به قبول چراغ برق داد میوه فروش ها و بساطی های میدان شمس العماره و بازارچه ی مروی بودند که خودشان نیز از اتباع شیطان بوده گرمی کارشان از (چراغ روشن) به بعد و از همان زمان که داد و ستد ممنوع شده بود می بود کسانی که در برابر اکثریت متدین ایستاده توانسته بودند همه ی وقت کاسبی خود را منحصر به اوقات ممنوعه نموده زیادتیر فروش خویش را در آن ساعات که کسبه و راهگذاران به خانه های خود بازگشته لازم بود میوه دانه ای بخرند و به آن عقیده دهن کجی بکنند.

چراغ شیطان نه تنها برکت را از کاسبان نبرد بلکه با حضور چراغ برق و آویز شدنش بر روی بساط فروششان چند برابر شده که هم جلوه و جلای متاعشان زیادتیر گردیده، هم مردم برای تماشا هم که شده بود به دورشان جمع شده خرید می کردند و وسیله ای شد که مشتریان کسبه ی مشابه هم تأسی کرده کار چراغ نفتی دارها را به کساد کشیده مجبور به کشیدن چراغ برقشان بکنند، بویژه که چراغ نفتی با هر وزش باد هم هر چند دقیقه یک بار خاموش شده، بساطشان (سوت و کور) و کاسبیشان معطل می گردید.

پس از آن ها بقال و قهوه چی که به طرف نور شیطان رو آوردند و به دنبال آن ها آجیل فروش و شیرینی فروش ها.

صرف هفته اول مهمان کارخانه

از آن سو کارخانه ی برق هم که تازه به کار افتاده باید دخل و خرج جور می شد واز این رو برای برقش خریدار لازم داشت و مجبور شد دلال هایی جهت ترغیب مردم استخدام و قیمت برق را در حد نازلتر از پول نفت ارائه بکند و برای استفاده اش سهولتی تام که خود نیز متعهد سیم و سیم کشی و لامپ و سرپیچ آن شده به دکان ها برق بدهد و در ابتدا با این شرط که هفته ی اول را مهمان کارخانه بوده اگر خواستند مشتری و اگر نخواستند سیمشان جمع بشود و لذا کافی بود که صاحب دکان برای آن «بله ای» داده قبولی خود را اعلام کرده ساعتی بعد لامپ آن هر چند شعله که بخواهد در دکانش آویزان بشود.

برق بدون کلید و پریز و کنتور!

از این زمان بود که کار سیم کشی و امور عجیب آن که بسا فوق العاده بود شروع وسیم و سیم کش حاضر شده و نردبان می طلبید و همه امور خارق عادت آن نیز منحصر بود به اینکه سیم کش دو سر سیم را به داخل سرپیچ برده، لامپ به او بسته آویزان بکند و سرهای دیگرش را قلاب نموده با دوشاخه روی شاه سیم بیندازد و تمام، که دیگر نه کنتوری در کار بود و نه حساب کیلووات و نه مقدار مصرف و واضح است که با عدم وجود کنتور کلید نیز لازم نمی آمد، چه نمی خواست جلو اضافه مصرف گرفته شود و این که خود اول شب روشن شده آخر شب خاموش می گردید.

دردسر کارخانه با مشترک

اما تازه اول گرفتاری کار کارخانه با این مشتریان بود که کاسبی که دست به کار حرام یعنی داد و ستد در شب و پذیرش نور شیطان زده از هلاک شدن آن نترسیده بود برایش دشوار نبود که پول برق صاحب برق را هم کم و زیاد و حرام و حلال کرده بالا بکشد، چه تنها با این وسیله بود که می توانست کفاره ی دو کار خلاف خود را گذارده پدر شیطان را درآورد! لذا هفته ی اول که مهمان بود و تا چند هفته بعد هم امشب و فرداشب می نمود که هنوز اخذ تصمیم در رد و قبول آن ننموده است و از آن به بعد هم یک شب کاسبی نکرده، یک شب دشت (سرچراغ) نکرده نمی تواند پول به کسی بدهد و شب دیگر که وعده به شب بعد می داد الی آخر که تحصیلدار را جان بسر می نمود. بیچاره ای که طبق حساب باید پول لامپ ها را به کارخانه تحویل بدهد و با این ناحساب های پا به هیچ جا بند ندارم که نمی دانست چه باید بکند.

آن هایی هم که تهدید به قطع برق شده، ضمناً نمی توانستند از آن دل بکنند، یک شب یک لامپ روشن کرده، بقیه را به حساب نمی آوردند و شبی نزدیک آمدن حسابدار لامپ ها را خاموش نموده یا از سرپیچ شل کرده سیم آن را قطع شده گفته پس از رفتن او روشن می کردند و شبی نزدیک آمدن تحصیلدار لامپ های بزرگ را باز نموده لامپ کوچک بسته حساب آن را به قرار لامپ های موجود می دادند.

قیمت برق چقدر؟!

از لامپ متعارف سه چهار شاهی برای هر شعله تا زیادترینش که پانصد شمع و بالاتر بود شش شاهی تا ده شاهی یعنی نیم دهم ریال گرفته می شد! در حالی که تا قبل از آن باید دو سه برابر آن برای هر چراغ نفتی نفت و لوله و فتیله بخرند.

خانه دارها هم که نه می خواستند برق داشته باشند، که علاوه بر مسائل گفته شده ی حاضر نبودند هر شب طلبکاری در خانه شان سبز بشود و نه می توانستند با کارخانه ی برق حسابشان را معلوم بکنند، چه نه تمام اطاق ها را می توانستند روشن گذاشته پول بدهند و نه کارخانه قبول داشت که لامپ های قبولی آن ها را قبول بکند، از آنجا که وقتی با کاسب محتاج به برق که از آن فایده می برد وضع و مدارش بدان قرار باشد با خانه دار معلوم بود چقدر باید (ارّه داده تیشه گرفته، کلّ و کلّ) و از آن سو که گرفته ها را هم با کارخانه نگرفته حساب بکند!

به این ترتیب خانه هایی که برق به آن ها می رفت منحصر بود به خانه های اندرون شاهی که حسابشان با دربار بود و معدودی خانه ی اعیان و اشراف که به صورتی ماهانه حساب می کردند، تا کم کم که کنتور پیدا شده بعضی از خانه های دیگر و برخی از دکانین هم برق گرفتند، اما در اینجا نیز «ایرانی است و هوش و ذکاوت!» و قبل از هر کار تحصیلداری رویه اش را یاد بگیرد و پیش از هر اطلاع از فنون برق این را آموخت که سیمی پنهان از بالای کنتور آورده، زیادتر مصرف را از برق دزدی استفاده بکند!

منبع: تقدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/29432/ايران-شيطان-نور-ورود-ماجرای-29432>